

verschieben, لغت روز Wort des Tages verschiebbar

written by مرتضی غلام نژاد | می 23, 2017

verschiebbar یک صفت می باشد

so, dass man etwas zur Seite schieben kann

به طوری که آدم چیزی را به مکان یا جای دیگری بتواند هول بدهد

“Diese Trennwand ist verschiebbar. So können Sie den Raum verändern, wie Sie möchten,,

این دیوار کوچک قابل جا به جایی است (کشویی است) ، بنابراین شما می توانید اینجا را تغییر دهید ، همانطور که دلتان می خواهد

صفت verschiebbar از فعل verschieben گرفته شده است

verschieben یک فعل می باشد

پس انداختن ، عقب انداختن ، به تاخیر انداختن ، تعلل ورزیدن ، تغییر مکان دادن ، منتقل کردن ، جابجا کردن ، قاچاق کردن ، جنس رد کردن

گذشته ساده : verschoben

گذشته کامل : haben verschoben

فعل verschieben نیز از آن دسته از افعال در زبان آلمانی است که در موقعیت های مختلف می تواند معانی متفاوت نیز به همراه داشته باشد.

حالت اول : چیزی را از جایی به جایی دیگر منتقل کردن یا جابه جا کردن

Den Schrank um einige Zentimeter verschieben

آن کمد را چند سانتی متری جا به جا کردن

حالت دوم : هرگاه به عنوان یک فعل انعکاسی مورد استفاده قرار بگیرد ، یعنی لیز خوردن یا سر خوردن چیزی که باعث جا به جایی آن می شود، مانند لیز خوردن قالیچه یا فرش به روی سنگ فرش یک آپارتمان

Der Teppich verschiebt sich immer wieder

آن قالیچه همچنان لیز میخورد

آن قالیچه همچنان کشیده می شود به این سمت و آن سمت

Ihr Kopftuch hatte sich verschoben

روسری او لیز خورد و از سرش افتاد

یا روسری او کشیده شد و از سرش افتاد

حالت سوم : قرار ملاقاتی را به زمان دیگر موکول کردن ، به زمان دیگری آنرا انداختن یا به زبان ساده تر به تاخیر انداختن

Ihretwegen haben wir die Party um eine Woche verschoben

به خاطر او ما جشن را یک هفته به عقب انداختیم.

Eine Reise verschieben

یک سفر را به تاخیر انداختن یا به زمان دیگری آنرا موکول کردن

Einen Termin verschieben

یک قرار ملاقات را به تاخیر انداختن یا به زمان دیگری آنرا موکول کردن

Die Operation muss verschoben werden

آن عمل جراحی باید به تاخیر بیافتد

Eine Arbeit auf später verschieben

یک کار را پشت گوش انداختن

یک کار را به زمان بعد موکول کردن

Der Beginn der Vorstellung verschiebt sich um einige Minuten

شروع جلسه به یک دقیقه بعد موکول شد

ضرب المثل آلمانی :

verschiebe nicht auf morgen, was du heute kannst besorgen

به فردا موکول نکن ، چیزی را که امروز می توانی انجام بدهی

اما در کل می توان معنی این فعل پر کاربرد را در جملات زیر تصویر سازی کرد

Etwas über den Boden schiebend von einem an einen anderen Ort bewegen

چیزی به روی زمین هل داده شود و از از جایی به یک جایی دیگر به حرکت در بیاید

Etwas zu einem anderen Zeitpunkt stattfinden lassen

چیزی را به یک زمان دیگر موکول کردن یا جا به جا کردن (از نظر زمانی)

به طوری که آن در یک وقت دیگر برگزار شود

Verbotenerweise Produkte auf einem schwarzen Markt veräußern

محصول و کالاهای ممنوعه را توسط یک مغازه غیر قانونی به فروش رساندن

و اما چند مثال دیگر :

Wir können das Treffen leider nicht verschieben

ما آن نشست یا گردهمایی را متاسفانه نمی توانیم به زمان دیگری موکول کنیم

Mein Opa hat damals Zigaretten verschoben

پدر بزرگ من در زمان های قدیم قاچاق سیگار میکرد

یعنی سیگار را به صورت غیر قانونی در مغازه اش به فروش میرساند!

Das Sofa müssen wir verschieben, wenn die neue Pflanze Platz haben soll

آن مبل را ما باید جا به جا کنیم ، چنانچه آن گیاه ، فضایی می بایستی داشته باشد